

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شتر

روزنامه

پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳ • ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶ • ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۵۱ • صفحه ۱۲
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان صبح فردا ۱۷:۴۴ • اذان صبح فردا ۴:۵۰ • طلوع آفتاب ۶:۱۴



«بندرگز» از دوران قاجار و از زمان محمدشاه (۱۲۶۲ ه‍.ق) با احداث یک انبار بزرگ کالا توسط روس‌ها، تبدیل به قطب مهم اقتصادی تجاری منطقه استرآباد شد. با رونق تجارت در «بندرگز»، چهار کارخانه تصفیه پنبه و بناهای تجاری احداث و در حال حاضر کارخانه تصفیه پنبه لیوانی، اولین و قدیمی‌ترین کارخانه تصفیه پنبه و تنها کارخانه فعال این شهر است. عکس: محمد عطایی، ایرنا

www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1

تحصیل ۳ میلیون دانش‌آموز در مدارس آسیب‌پذیر

دانش‌آموز در سراسر جهان تعطیلی مدارس را به دلیل سوانح اقلیمی شدید تجربه کرده‌اند. هر کودک و نوجوانی باید از سوانح به‌ویژه در مدرسه محافظت شود. مدارس نقش مهمی در ترویج فرهنگ پیشگیری از سوانح و توانمندسازی جوانان برای درک و اقدام در مورد مخاطراتی دارند که با آن مواجه هستند. سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام باید برای کودکان و جوانان قابل دسترس باشد. برآورد شده است که سرمایه‌گذاری یک میلیون تومان -حدود ۱۸ دلار در نیمه سال ۱۴۰۳- برای هر کودک می‌تواند اثر سوانح اقلیمی را کاهش دهد. بحران اقلیمی بیشترین ضربه را به آموزش و پرورش در کشورهای کم‌درآمد وارد می‌کند. به طوری که به طور متوسط سالانه ۱۸ روز مدرسه، در کشورهای کم‌درآمد و ۲۰۴ روز در کشورهای ثروتمند از آموزش از بین می‌رود. ایجاد آمادگی کودکان و جوانان می‌تواند به محافظت از کل خانواده‌ها و جامع نیز کمک کند. کشورها به سیاست‌های کاهش ریسک سوانح با محوریت کودکان نیاز دارند. این به معنای ادغام نیازها، آسیب‌پذیری‌ها و ایده‌های کودکان در برنامه‌های کاهش ریسک سوانح و سازگاری با تغییرات اقلیمی با منابعی در دسترس برای اجرای برنامه‌هاست. مدارس باید فضاهای آموزشی امنی باشند که در آن کودکان و کارکنان از همه خطرات محافظت شوند. چارچوب جامع ایمنی مدارس به دولت‌ها راهی برای محافظت از کودکان و مدارس در برابر همه مخاطرات و ریسک‌ها در بخش آموزش ارائه می‌دهد. کودکان و جوانان حق برخورداری از امنیت، محافظت مدارس، تداوم آموزشی و مشارکت در تصمیماتی را دارند که بر آینده آنها اثر می‌گذارد. از ابتدای سده بیست‌ویکم بیش از یک میلیارد کودک در دنیا بر اثر سوانح طبیعی زندگی‌شان مختل شده و بیش از ۸۰ هزار مدرسه آسیب دیده با ویران شده است. در ابتدای اجرای برنامه هفتم توسعه و آغاز به کار دولت چهاردهم بازمبانی و اجرای چارچوب جامع ایمنی مدارس برای محافظت از کودکان، مربیان، کارکنان و اولیای مدارس الزامی است. ما به یک رویکرد کاهش ریسک چندمخاطره‌ای برای ایمنی مدارس نیاز داریم.



مهدی زارع

از مدارس وضعیت نالایم و بعضی از این مدارس نیاز به تخریب داشتند. اکنون ۱۰۴ هزار کلاس درس فرسوده داریم که باید بازسازی یا مقاوم‌سازی شوند. ۱۷ تیر ۱۴۰۳ یک عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گفت: حدود ۱۹ درصد مدارس کشور نیازمند نوسازی و بازسازی هستند. بنابراین می‌توان ارزیابی کرد که هم‌اکنون حدود سه میلیون دانش‌آموز در مدارس فرسوده مشغول به تحصیل هستند. در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ سخنگوی وزارت آموزش و پرورش گفت: «در سال ۱۴۰۲ طبق آمار برآورد شد ۱۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز در کشور وجود دارد. از سال ۹۲ تا سال ۱۴۰۳ تعداد ۲۴ هزار و ۱۵۰ مدرسه ساخته شده و از سال ۱۳۹۲ تا امسال ۲۴۱۵۰ مدرسه ساخته شده که ۱۱۷ هزار و ۶۱۸ کلاس را در خود جای داده است. تعداد دانش‌آموزان ما در سال ۱۳۹۲ اعم از مدارس دولتی و غیردولتی چیزی حدود ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بوده اما در سال ۱۴۰۳ این آمار به نزدیک ۱۷ میلیون نفر رسیده است، یعنی ما یک جهش جمعیت دانش‌آموزی و فضای آموزشی داشتیم ولی جهش نیروی انسانی نداشته‌ایم». اگر حدود ۱۸ درصد از کلاس‌های درس در کشور را بافت فرسوده در نظر بگیریم، می‌توان برآورد کرد که از ۱۶.۲ میلیون دانش‌آموز در کشور حدود سه میلیون نفر همچنان در کلاس‌های واقع در ساختمان‌های با بافت فرسوده هستند. تعداد و شدت سوانح در حال رشد است و بر رفاه کودکان و جوانان اثر می‌گذارد. از سال ۲۰۲۲، ۴۰۰ میلیون

شعار امسال روز جهانی کاهش سوانح طبیعی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ترویج فرهنگ جهانی کاهش ریسک از جمله پیشگیری، کاهش سوانح و آمادگی مشخص کرده، «نقش آموزش در حفاظت و توانمندسازی جوانان برای آینده‌ای بدون فاجعه» است. این روز برای افزایش آگاهی مردم و جوامعی گرامی داشته می‌شود که در سراسر جهان در معرض سوانح هستند. آسیب‌های ناشی از زلزله به ساختمان‌های مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر جهان خطر بالقوه‌ای برای رفاه فرزندانمان است که در زلزله‌های بزرگ می‌تواند به خسارت‌های مهمی منجر شود. مهم‌ترین شواهد از آسیب به مدارس در زلزله‌ها مربوط به زلزله ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ الانصام الجزایر (۱۸ مهرماه ۱۳۵۹ شمسی) است که در ساعت ۱۳:۲۵ و در میانه روز رخ داد و موجب شد تا سقف مدرسه‌ها فرویزد. این زلزله با بزرگای ۷.۱، سه ساعت بعد با پس‌لرزه‌ای به بزرگای ۶.۲ دنبال شد. تخریب خانه‌ها، زیرساخت‌های حیاتی از جمله بیمارستان اصلی مسجد مرکزی و مدارس با حداقل ۲۶۳۳ کشته و ۸۳۶۹ زخمی و تقریباً ۵.۲ میلیارد دلار خسارتی ایجاد کرد که ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی الجزایر در آن زمان بود. در زلزله ۲۷ مارس ۱۹۶۴ آنکورجی آلاسکا در ساعت ۱۷:۳۶ با بزرگای ۹.۲، یک مدرسه ابتدایی به دو نیم تقسیم شد. در کالیفرنیا و مناطق دیگر نیز به ساختمان‌های مدارس به دیوارها، سقف‌ها و دودکش‌ها آسیب رسید. در نیمه مهر ۱۴۰۳ پراساس اعلام رئیس سازمان آتش‌نشانی تهران، فقط چهار درصد ساختمان‌های پایتخت تأییدیه ایمنی دارند. رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران گفت در این شهر ۲۴۰۰ مدرسه داریم. در سال ۱۴۰۰ رئیس مرکز برنامه‌ریزی، نیروی انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش، در سراسر کشور ۵۶۰ هزار کلاس و ۱۰۷ هزار و ۱۷۱ مدرسه موجود است. ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ رئیس سازمان نوسازی و تجهیزات مدارس کشور اظهار داشت: بافت بسیاری از مدارس فرسوده است. در ۱۳۸۳ موضوع مقاوم‌سازی، تجهیز و نوسازی مدارس مصوب شد، ۶۵ درصد

روزمره خوانی

شادی به جای جنگ

مهدی خاکی فیروز

سفرهای پاییزی جلوه دیگری از زندگی دارند. گرچه هوا کمی سرد است و بیم باران، چادرزدن کنار رودخانه و جنگل را محدود می‌کند، ولی در عوض می‌توان در مسیر برگشت، محصولات متنوع کشاورزی را در کنار جاده‌ها خرید که بی‌هیچ شک و شبهه‌ای، کدوی هالووینی می‌درخشند و چهره‌هایی خندان و معماهایی پنهان در دل دارند. اما در تماشای رقص این رنگ‌های شاداب، سایه‌های کدوها همچون خورشیدهای نزدیک غروب، در کنار جاده‌ها می‌درخشند و چهره‌هایی خندان و معماهایی پنهان در دل دارند. اما در تماشای رقص این رنگ‌های شاداب، سایه‌های غم‌انگیز جنگ‌های منطقه هم به چشم می‌آید؛ آنجا که عشق و دوستی جای خود را به ترس و جدل می‌دهد. این بار تصمیم گرفتیم سوغاتی‌های خوشمزه‌ام را با روشی جدید طبخ کنیم. دو هفته‌ای آنها را روبه‌روی آفتاب نشاندم و سپس با کمک دستگاه برش کالباس آقا حمید (سوپری سر کوچک)، کدوها را به تکه‌های نازک برش زدم تا دیواره بیرونی دلمه شوند؛ آرتوش کودک پنج‌ساله‌ای که والدینش برای چند ساعتی او را به من سپرده‌اند، در آشپزخانه من را همراهی می‌کند و در حالی که برقی رفته و زیر نور شمع هستیم، مجبورم با داستان‌های مختلف او را سرگرم کنم؛ به این ترتیب، بچپن ترکیب برنج، سبزی و لپه در هر برش کدو، گوئی داستانی از یونان باستان را در خود پنهان دارد. همچون افسانه‌های هومر، قهرمانانی که با کدوهای شاداب به میدان می‌آیند تا به جای نبرد، از دوستی و همبستگی سخن بگویند. بارپاپایا و دوستانتش دور میز نهار خوری نشستند و با هر جنگل به دلمه‌های کدو حمله می‌کنند تا تاریخ را دوباره بنویسند. آرتوش اما با همه این داستان‌ها باز هم آرام نمی‌گیرد و در حالی که خودش را پاتریک می‌نامد، به دنبال بردن نیمی از غذا برای باب‌اسفنجی است. در نهایت موفق می‌شوم با طعم و رنگ خوش غذا، آرتوش را آرام کنم و با خودم می‌گویم ای کاش سیاست‌مداران خاورمیانه هم در این جمع حاضر می‌شدند. بارپاپایا و باراماما با دستور پخت جادویی‌شان، دل‌ها را به هم نزدیک می‌کردند تا بچه‌ها با شسور و شوق، شادی را به جای جنگ تجربه کنند. شاید این سیاست‌مداران در زیر نور ملایم شمع، با خواندن ضرب‌المثل ژاپنی من‌درآوردی «یک کاسه برنج، یک کاسه دوستی»، آشتی می‌کردند. کدوهای نارنجی، قهرمانان داستان ما، به ما می‌آموزند که صلح در دل‌های پر از عشق و غذا‌های خوشمزه پاییزی نیفته است. ای کدوها! ای آفتاب‌های درخشان پاییزی! با شما داستانی از دوستی و آرامش می‌نویسم؛ داستانی که با هر برش و هر تکه دلمه، رنگ و بویی نو به زندگی‌ام ببخشد. در این شب‌های سرد و تاریک پاییزی، بایباید به یاد داشته باشیم که با هم می‌توانیم دنیایی بسازیم که در آن، کدوها بر جنگ و جدل پیروز شوند.

شاهنامه خوانی

نخستین دیدار رستم با اسفندیار - ۲



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

که داند که فردا چه شاید بدن / بدین داستانی نباید زدن
بدو گفت رستم که ای‌دون کنم / روم جامه راه بیرون کنم
رستم به او گفت: «همان کنیم که تو می‌گویی، به هنگام گستردن خوان مرا بازخوان». سپس بر رخسار بنشست و اندیشناک و فرسوده‌دل راهی سرای خویش شد. چون به ایوان خود درآمد، به زال که به دیدار او چشم دوخته بود، گفت: «اسفندیار را از نزدیک دیدیم، سواری است چون سرو سهی، خردمند و زینده و دارای شکوه شهبازی، آن‌چنان که فریدون بزرگ او را دانایی و بزرگی سپرده است».

از دیگر سوی چون رستم سوار بر رخسار از کناره هیرمند دور شد، اسفندیار به ستایش به او نگریست و برانندیشه شد که با این پهلوان پیر که سرایا شکوه است و بزرگی و شاهان ایران را پشتوانه بوده، چه کند و چون به سرایرده بازگشت، پشتون برادر نیک‌اندیش اسفندیار به نزد او آمد تا بداند با آن پهلوان چه گفته و از او چه شنیده. اسفندیار فرورفته در ژرفای اندیشه گفت کار بزرگی را کوچک و کار دشواری را سبک گرفته است و افزود: «رستم مرا به سرای خود خواند که نپذیرفتم و دوست نمی‌دارم به پرده‌سرای من آید، اگر خود نیاید کس در پی او نفرستم».

پشتون گفت: «به یزدان سوگند چون تو را با آن پهلوان دیدم که به مهر ایستادید و با هم سخن می‌گویند و نبردی در کار نیست، بسیار شادمان شدم و دلم از این مهرورزی چون نوبهار تازه گشت هم از تو و هم از رستم بیلتن. امید آن دارم سخن برادرت را بشنوی و با جان خود ستیزه نکنی. می‌دانم هر آنچه رستم بگوید از سر خرد می‌گویند. می‌دانم هرگز پای در بند تو نخواهد گذارد، او جهان‌پهلوان پوردستان سام است و به بازی پای در بند نخواهد نهاد که مانند او در همه گیتی دیده نشده است. چگونه ممکن است پای او را به بند کشی که این خواسته پسندیده نیست و شایسته نیست که تو نیز او را در بند بخواهی، از این بیم دارم این کار به درازا بکشد و به روبرویی میان دو گردن‌فراز بینجامد. تو از پدیمان دانان هستی و چه در مردی و چه در گردن‌فرازی از او برتری، رستم او بزم می‌جویند و تو رزم، بنگر کدامیک از شما با آفرین است.

سوار جهان پوردستان سام / با بازی سر اندر نیارد به دام
چنو پهلوانی ز گردن‌کشان / ندادست دانا به گیتی نشان.

استفندیار در پاسخ گفت: «پس از آن چون تاج بر سر نهم، جهان را به تو بسپارم و چون در بند با من آیی، من فرمان شاه را به جای آورده‌ام و از روی شاه دیگر شرمگین نیستم».

رستم آزرده از سخن اسفندیار گفت: «ای پهلوان از داور گردگار آرزومند بودم که دل را به دیدار تو شاد گردانم و اکنون از پیشنهاد تو سخت آزرده‌ام، ما دو پهلوان گردن‌فراز پیر و جوان و هر دو خردمند و بیداردل هستیم، بیم آن دارم گزند از من به تو رسد، مبادا در این دیواره که کام نهاده‌ای، راه به تاج و تخت نبی که پایانی بریریم دارد. آنچه از من می‌خواهی جز ننگ برای من نخواهد بود؛ ننگی که تا خورشید فروزش دارد و ماه به کرشمه می‌خرامد، ممکن نخواهد شد. از تو می‌خواهم به سرای من آیی به میهمانی تا چشم و چراغ من باشی و این تیزی از اندیشه خود بیرون کنی و آن‌گاه هر آنچه از من خواهی فرمان کنم، مگر بند را که بند ننگی بزرگ است و شکستی زشت برای من که کس هرگز مرا زنده در بند نخواهد دید که روان روشن من بند را برنمی‌تابد. پیش از تو نیز پهلوانان بسیاری بوده‌اند که هرگز نتوانسته‌اند پای من در بند کنند».

اسفندیار جوان در اندیشه آزدن آن یل پیر نبود و تنها می‌خواست بی‌هیچ کشمکش‌ی او را به خواسته خویش برانگیزد و به همین روی گفت: «هر آنچه می‌گویی، راست است که از تو دروغ برنیاید که بزرگ‌مردان هرگز با دروغ فروغ و روشنی نگیرند. اما پشتون گواه است که شاه پیش از آمدن بدین سوی چه گفت و اگر به سرای تو آیم و میهمان تو گردم، آن‌گاه که سر از فرمان بپیچی، روشنای روز بر من تاریک خواهد شد و چون با تو به جنگ برخیزم، چگونه آن نان و نمک را فراموش کنم که می‌دانم در آن گیتی آتش جایگاه ما است. اکنون که آرزوی تو چنین است امروز را به شانوشی می‌نشینم پس تو به سرای خود بازگرد و من نیز به سرایرده خویش، باشد که نیک‌تر بیندیشی و آرزوی شهروار مرا برآورده گردانی.

تو را آرزو گر چنین آمدست / یک امروز با می بساییم دست

اتفاق خوانی

وزیر ارشاد خبر داد

مسیر طولانی تغییرات به دلیل استعلام‌ها

از ۳۱ مرداد و دریافت رای اعتماد دولت چهاردهم و استقرار وزرا، تاکنون که روزهای پایانی مهرماه است، تغییرات اندکی در زیرمجموعه‌ها و وزارتخانه‌ها رخ داده است. حالا وزیر ارشاد اعلام کرده است که تا آخر مهرماه انتصابات بیشتری در وزارتخانه زیر نظرش انجام می‌شود. دیروز پس از جلسه هیئت دولت، وزیر ارشاد در گفت‌وگویی علت تأخیر در انتخاب‌ها و تغییرات را مسیر طولانی «استعلام‌ها» می‌داند و در بخشی از سخنانش می‌گوید انتصاب‌ها در مسیر استعلام‌های سه‌گانه و کمیته انتصابات قرار گرفته است. «سیدعباس صالحی» به پرسش درباره تأخیر در تعیین معاونت‌ها گفت: «قبلا هم گفتیم تا آخر مهر انتصابات انجام می‌شود. با توجه به سه‌گانه‌شدن استعلام‌ها مسیر انتصابات کمی طول کشیده. کمیته انتصابات هم کار خود را انجام خواهد داد». او اشاره کرد انتخاب معاونت‌ها (معاونت هنری-فرهنگی-مطبوعات) را انجام داده و از نظر او قطعی است، اما «معاونت‌ها در مسیر استعلام‌ها قرار دارد» و تأکید کرد که طبق همان قوای که داده تا «پایان مهرماه» اسامی معاون‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام می‌شود. همچنین او از تغییر رویه درباره هنرمندان ممنوع‌الکار خبر داد و وعده داد: «تک‌تک این موارد در این دوره جدید مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرد و تجدیدنظر کلی می‌شود». یک سؤال دیگری هم پرسیده شد که برخلاف دوره قبلی جواب پر حاشیه‌ای به آن داده نشد. سیدعباس صالحی برخلاف خلف خود وقتی درباره موسیقی مورد علاقه جوانان و نوجوانان یعنی رپ و قانونی‌شدن آن مورد پرسش قرار گرفت، تعیین تکلیف نهایی آن را مسئولیت شوراهای تخصصی دانست و خودش دستوری در رد یا قبول آن نداد.



بخشش

بنیاد خیریه شنوایی بخشی شفا

خدمات "بخشش"

- کمک هزینه کاشت حلزون شنوایی
- کمک هزینه تأمین، تعویض و تعمیر قطعات
- کمک هزینه توانبخشی
- کمک هزینه پیشگیری از تولد کودک ناشنوا

مقتضیان عزیز می‌توانند با مراجعه به یکی از مراکز کاشت حلزون شنوایی در سراسر کشور یا سایت "بخشش"، از خدمات این بنیاد بهره‌مند شوند.

شماره گیری کد دستوری از طریق تلفن همراه
#۳۵۳۵* ۷۸۰*

شماره کارت جاری نزد بانک پارسیان
۸۲۷۳-۰۷۲۲-۰۶۱۲-۶۲۲۱

شماره شبنا نزد بانک پارسیان
۰۳-۸۸۶-۰۵۸۸-۰۵۰۱-۰۲۲۳-۱۸۹۶

کامی خواهیم هیچ انسانی به جهت فقر و تنگدستی از شیشه آزادی هستی محروم نماند

www.bakshesh.ir | baksheshcharity | info@bakshesh.ir | ۰۲۱-۴۰۸۸۰۷۶۱-۲